فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره 1، بهار 1393، پیاپی 7
صفحات 34-19

تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان در استان گیلان*

سیدعلی حسینی**، استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، گیلان.

دریافت مقاله: 1392/10/12 پذیرش نهایی: 1393/1/20

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین میزان تأثیر عوامل موثر بر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان در استان گیلان انجام گرفته است. روش بررسی در پژوهش فوق توصیفی- تحلیلی و کاربردی است. جامعه آماری روستاییان استان گیلان بوده که ابتدا با روش نمونه‌گیری مطبق، تعداد 45 روستا از بین کلیه روستاها انتخاب و سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین این روستاها، تعداد 380 کشاورز انتخاب گردید. جهت عامل‌سازی و تعیین نقش عوامل اصلی مؤثر بر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان استان گیلان و بر اساس نظر کارشناسان مربوطه، از 74 متغیر استفاده شده است که برای این کار از مدل تحلیل عاملی و مدل رگرسیون خطی استفاده شده است. با استفاده از مدل تحلیل عاملی شاخص‌ها به پنج گروه اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، کالبدی و جغرافیایی دسته‌بندی گردید که در مجموع 61/08 درصد از تغییرات واریانس را به خود اختصاص می‌دهد. نتایج مدل تحلیل رگرسیون خطی با روش مرحله‌ای، نشان داد که از 74 متغیر مستقل وارد شده به مدل، فقط 13 متغیر است که بیشترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر وابسته داشته است. نتیجه مدل مذکور در آخرین مرحله از پردازش نشان داد که متغیر «تثبیت قیمت محصولات» با ضریب رگرسیونی 0/398، متغیر «توانمندسازی اقشار فاقد مهارت‌های فنی» با ضریب 0/272، متغیر «اقدامات اشتغال زایی دولت» با ضریب 0/239، بیشترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان داشته‌اند. هم چنین یافته‌ها حاکی است عوامل مدیریتی بیشترین تأثیر را روی متغیر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان استان گیلان داشته است.

واژگان کلیدی: روستا، درآمدروستایی، اشتغال، استان گیلان.

---

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با حمایت مالی دانشگاه پیام نور استان گیلان می‌باشد.

** تماس: 09111398761 Email :hosieniali@pnu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

1) مقدمه

امروزه صاحب‌نظران بر این اعتقاد هستند که باید جدای از سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان توسعه و توسعه اقتصادی (که بسیار مهم هم هستند) به طور ویژه و مشخص به امر توسعه روستاها و ریشه‌کنی فقر گسترده‌ای که بر آن‌ها حاکم است، پرداخت. بیشترین مشکلات و معضلات روستاها در تمامی جهان ناشی از دو مساله اساسی است: کمبود امکانات اجتماعی (ضعف زیرساخت) و کمبود درآمد (ضعف اقتصادی). از جمله امکانات اجتماعی می‌توان به خدمات بهداشتی، آموزشی، بیمه و تامین اجتماعی، خطوط ارتباطی (حمل‌ونقل و مخابرات)، امنیت، آب آشامیدنی، سوخت، برق و امثال آن اشاره کرد. اگر چه بسیاری از دولت‌ها از جمله در ایران برنامه‌های گسترده و پرهزینه‌ای را برای بهبود این زیرساخت‌ها انجام داده‌اند؛ با این وجود مشاهدات نشانگر آن است که این امر خود به تنهایی نتوانسته معضلات زندگی روستایی را حل کرده و آنان را از فقر برهاند و مهاجرت از روستا به شهر را کاهش دهد.

کمبود درآمد عامل مهمی است که اگر برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، اجازه نمی‌دهد طرح‌های توسعه روستایی به ثمر بنشیند. برخی از عوامل مؤثر در کمبود درآمد روستاییان عبارت است از افزایش جمعیت روستاییان (مقدار مطلق)، بیکاری (کامل یا فصلی)، بهره‌وری پایین افراد و منابع، عدم‌جذابیت برای سرمایه‌گذاری و ضعف فضای کسب‌وکار. حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده‌ی نظام و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد و اگر در جریان پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه‌ای ایجاد شود، آثار و پیامدهای آن نه تنها حوزه‌های روستایی، بلکه مناطق شهری و در نهایت کلیت سرزمین را در بر خواهد گرفت (رضوانی،1383: 2). در ساختار اقتصادی نواحی روستایی کشورهای مختلف، کشاورزی محور اساسی تأمین معیشت به شمار آمده و در اغلب برنامه‌های توسعه نیز کشاورزی مهمترین و تنها رکن اقتصادی روستاها را شامل می‌شود (طاهرخانی،1379: 21). مهمترین ویژگی چنین ساختاری، فقدان تنوع در بسترهای اقتصادی و فرصت‌های شغلی خصوصاً برای نیروی انسانی روبه افزایش روستایی می‌باشد که تا حدودی نشأت گرفته از نوع نگرش به روستا و سیاست‌گذاری‌های دولتی و عوامل درونی روستا است. چنین ساختار اقتصادی و شغلی در نواحی روستایی مسائل خاصی را به دنبال داشته که از جمله آنها می‌توان به انعطاف کمتر در مقابل نوسانات کوتاه‌مدت آب و هوایی، نوسان قیمت محصول در زمان برداشت، محدودیت‌های بازاریابی و بازاررسانی محصول، وابستگی بهره‌برداران به محیط خارج از روستا و بازارهای خارجی، وجود بیکاری آشکار و پنهان، کاهش بازده سرمایه، تخریب منابع پایه محیطی، آسیب‌پذیری اقتصاد روستایی و بی‌ثباتی منابع درآمدی، تضعیف اقتصاد و فرهنگ روستایی، مهاجرت روستایی، حاشیه‌نشینی و مسائل شهری اشاره نمود (جوان و همکاران،1390: 19). اغلب نظریه‌پردازان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

توسعه در راستای کاهش اثرات منفی چنین ساختاری و در چارچوب الگوی توسعه پایدار رویکرد متنوع-سازی فعالیت‌های اقتصادی را پیشنهاد نموده‌اند. بانک جهانی نیز در قالب الگوی فوق، بر اهمیت فعالیت-های اقتصاد غیرزراعی و چند بخشی تأکید کرده است. در این نظریه برای پایدارسازی اقتصاد روستایی و توسعه پایدار وجود تنوع یکی از ضروریات جوامع مختلف قلمداد شده و رعایت این اصل، ثبات و پایداری ساختارهای اقتصادی را تسهیل خواهد نمود (بانک جهانی،1384: 87).

از آنجا که راه حل نهایی مساله بیکاری شهری و تراکم جمعیت در شهرهای کشورهای در حال توسعه، بهبود محیط روستایی، برقراری تعادل مناسب میان فرصت‌های اقتصادی موجود در مناطق شهری و روستایی و افزایش سطح زندگی روستاییان از راه افزایش سطح درآمد آنها می‌باشد، بدیهی است در سایه ارایه خدمات آموزشی و ترویجی به اعضای جوامع روستایی، و در صورت افزایش اطلاعات فنی آنان، اصول و فنون برتر تولید به وسیله روستاییان انتخاب می‌شود و از عوامل و منابع اقتصادی تولید، به شکل مطلوب استفاده می‌گردد (شهبازی،1375: 20).

در ایران موضوع اشتغال روستاها و جلوگیری از بیکاری کشاورزان در برنامه‌های سوم تا پنجم عمرانی قبل از انقلاب مطرح شد (شکوری، 1388: 139)، با وجود اجرای برنامه‌های صورت گرفته هنوز بیکاری در روستا حل نشده، بلکه افزایش هم یافته است که به توسعه نیافتگی و ناپایداری روستاها انجامیده است. از آنجا که اقتصاد اکثر روستاهای ایران بر پایه کشاورزی است، اشتغال و کسب درآمد در این بخش نیز با مشکل مواجه است و با تبدیل کشاورزی سنتی به کشاورزی مدرن این مشکل دوچندان خواهد شد (فراهانی و همکاران،1391: 3). در سال 1390 سهم شاغلان بخش کشاورزی از کل نیروی اشتغال اقتصادی کشور به رقم 21/4 درصد کاهش یافت. هم چنین رشد سالیانه جمعیت در ایران 1/29درصد است که چنین رشدی از جمعیت در کنار میزان بیکاران فعلی کشور، نیاز به ایجاد اشتغال را تشدید می-نماید که این جمعیت می‌بایست وارد بازار کار شوند (سایت مرکز آمار ایران،1391: 42). در این شرایط ضروری است که برنامه‌ریزان توسعه روستایی اقدامات لازم جهت بهره‌گیری بهینه از این نیروی کار را انجام دهند. بدین ترتیب ایجاد اشتغال می‌تواند از طریق بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره‌برداری بهینه از منابع نقش مهمی در توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه داشته باشد. بر این اساس مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که عوامل مؤثر در افزایش درآمد و اشتغال روستاییان استان گیلان کدام است؟

2) مبانی نظری

پژوهشی با عنوان "نقش درخت در توسعه روستایی در بنگال غربی" در سال 1994 در کشور هندوستان به انجام رسیده است. بر اساس این پژوهش، کشاورزان با کشت تعداد 50 درخت در یک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

دوره10ساله و انجام مراقبت‌های لازم، قادر هستند که با تولید محصولات باغی و بهره‌برداری از چوب‌ها، درآمد سالیانه خود را تا حد 15 درصد افزایش دهند(Esmith, 2003: 5). در پژوهشی دیگر، مطالعه‌ای با عنوان "مشارکت زنان روستایی در زراعت ماهی در اریسا" در کشور هندوستان در سال 1996 به منظور افزایش سطح درآمد روستاییان منطقه، انجام گرفته است. در این پژوهش عملیات اجاره طولانی مدت10 تا 15ساله اراضی دولتی همراه با سرمایه‌گذاری فراوان بخش دولتی و ارائه بچه ماهی و تامین غذای آن جهت پرورش، عرضه کود شیمیایی و دارو از طریق انجمن‌های تعاونی، گسترش ماشین آلات لازم و انجام اقداماتی نظیر تدارک امکانات آموزشی، تشکیل انجمن تعاونی زنان و بازاریابی محصولات تولیدی، صورت گرفته که نقش موثری در افزایش درآمد روستاییان منطقه داشته است (کامران،1374: 24). در سال 1999 پژوهشی با نام "شناخت گزینه‌های افزایش درآمد و فرصت‌های اشتغال جانبی برنج-کاران مناطق روستایی استان گیلان" با مشاوره و هدایت " عبدالعزیز صالح" اقتصاددان ارشد کشاورزی از " فائو" و همکاری وزارت کشاورزی در ایران (گیلان) انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شالیکاران استان گیلان با درآمد حاصل از تولید محصول برنج، قادر به تامین هزینه‌های فزاینده تولید و زندگی نیستند و برای تامین این هزینه‌ها باید امکان استفاده از سایر محصولات کشاورزی نیز مورد توجه قرار گیرد.

یانگ در سال 2004 در کشور چین تحقیقی با عنوان «تحصیلات و کارآیی تخصصی: رشد درآمد خانواده در طول دوران اصلاحات ارضی و روستایی چین» انجام داده‌اند. این تحقیق نقش تربیت آموزشگاهی و تحصیلات را بر درآمد روستایی طی دوران آزادسازی عامل بازار، درچین طی سال‌های 1986 و 1995 مورد بررسی قرار داد. اعضای هیئت منصفهٔ استان سیچان پیشنهاد می‌کنند که تحصیلات، توانایی کشاورزان را در اختصاص کار و سرمایه به تولید غیرزراعی بهبود می‌بخشد و بر سطوح پایین‌تر وضعیت این منابع تولیدی که به استفاده‌های غیر زراعی اختصاص یافته‌اند، دلالت می‌کنند. در طول مدت تحول توسعهٔ فعالیت‌های غیر کشاورزی به گونهٔ مهمی به توسعهٔ درآمد خانواده کمک می‌کنند (Yang, 2004: 137).

در سال 2009 پژوهشی تحت عنوان «فعالیت‌های تولیدی درآمدزای روستایی» انجام شد، که عناصر فعال در اقتصاد روستایی را در کشورهای توسعه یافته و هدایت آن، از طریق اتصال پروژه بین FAO، بانک جهانی و دانشگاه آمریکا تحلیل می‌نمود. این پژوهش، طرز کار جریان توسعه روستایی را در برابر روند اصلی فکر کردن به توسعه روستا، مبنی بر مطالعات موردی از چهار کشور (غنا، گواتمالا، نیکاراگوئه و ویتنام) مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج حاکی بوده است که برای توسعه نیاز به مکانیزم وِیژه و ترویج سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی است (Zezza et al., 2009: 129).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

دیویس و همکاران در سال 2010 در تحقیقی با عنوان «مقایسه فعالیت‌های درآمدزای روستایی بین کشورها» به مطالعه در نواحی روستایی کشور پرداختند. نتایج نشان داد که در مناطق روستایی بسیاری از کشورها، بزرگترین سهم از درآمد، ناشی از فعالیت‌های خارج از کار کشاورزی و بزرگ‌ترین سهم خانوار در تنوع بخشی به منابع درآمدی است (Davis et al., 2010: 48). در تحقیقی دیگر، قدیری‌معصوم و عزمی به مطالعه «تحولات اشتغال روستایی و بررسی عوامل موثر بر آن» پرداختند که نتایج تحقیق حاکی از تغییر الگوی غالب اقتصادی روستاها از کشاورزی و صنعت به سمت خدمات است. هم چنین مهاجرت-پذیری نقش مهمی در این تغییر فرایند داشته و نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از ادامه این وضعیت در سال‌های آتی دارد. هم چنین جعفر جوان در تحقیقی تحت عنوان «نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی» به این نتیجه رسیده است که عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای مورد بررسی در منطقه مورد مطالعه شرایط نامساعدی را برای خانوارهای دارای چنین ویژگی سبب شده است، درحالی که خانوارهای دارای تنوع منابع درآمدی در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی وضعیت به نسبت مطلوب‌تری را در شاخص‌هایی چون آموزش، ثبات درآمدی، کیفیت زندگی و آسیب-پذیری دارا بوده‌اند.

افراخته و همکاران (1391) در تحقیقی با عنوان «نقش صنایع دستی در توسعه اقتصاد روستایی» دریافتند که صنایع دستی به عنوان یک هنر- صنعت با خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد که آن را از صنایع کارخانه‌ای متمایز می‌سازد، می‌تواند منبع درآمد خوبی برای روستاییان در کنار سایر فعالیت-هایشان باشد و در توسعه اقتصادی روستا مؤثر افتد. فراهانی و حاجی حسینی (1391) در تحقیقی تحت عنوان « نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی» به این نتیجه رسیدند که، از جمله راهکارهای مهم توسعه و توسعه پایدار روستایی ایجاد اشتغال و مهمترین آن کارآفرینی است که باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نتیجه سبب افزایش درآمد مردم و جامعه می‌شود و سرانجام پایداری و توسعه پایدار روستایی را به دنبال دارد. محمدی‌یگانه (1391) در تحقیقی تحت عنوان «متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر صنایع روستایی به منظور دستیابی به توسعه روستایی» به این نتیجه رسید که صنعتی شدن روستا به عنوان قسمتی از راهبرد توسعه همه جانبه روستایی، مهمترین هدف‌های توسعه را درمناطق روستایی تحقق بخشیده و می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال و افزایش درآمد گروه‌های کم‌درآمد روستایی موجب کاهش فقر و رفاه مناطق روستایی شود.

بعد از دهه 1970 در مقابل دیدگاه توسعه کامل روستایی (IRD)[1]، که تمایل به برنامه‌ریزی متمرکز، از بالا به پایین داشت و اغلب بدون در نظر گرفتن شرایط محلی، ظرفیت توسعه محلی و ترویج مشارکت محلی ناموفق بود، دو دیدگاه به وجود آمد: "دیدگاه عدم تمرکز"، این دیدگاه تصمیم‌گیری برای استفاده

[1] Integrated Rural Development

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

از منابع توسعه روستایی در سطح محلی به جای سطح ملی است که نیاز به آگاهی محلی برای اولویت در اثر بخشی و هم چنین استفاده از نیروی محلی که برای زیرسازی‌ها ضروری است (Janvry & sadoulet, 2003: 12). از طرف دیگر، دیدگاه منطقه‌ای که جریان‌های تولید و تغییر شکل سازمانی را در یک فضای روستایی مشخص می‌کند، به دنبال کاهش فقر روستایی است (Schejtman & Berdeyue, 2004: 4). دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه توسعه اقتصاد روستایی وجود دارد، از جمله این دیدگاه‌ها می‌توان به نظریه توزیع مجدد سینگر، نظریه صنعتی کردن روستاها، نظریه توسعه پایدار روستایی و نظریه توسعه یکپاچهٔ روستایی اشاره نمود. بنابراین با توجه به نکات مثبت و منفی تئوری‌های مطرح شده، و همچنین با عنایت به اینکه نظریه صنعتی کردن روستاها در کنار تئوری توسعه یکپارچهٔ روستایی با تکیه بر مشارکت با مردم، می‌تواند راهکار مناسبی جهت توسعه همه‌جانبه جوامع روستایی به حساب آید.

3) روش تحقیق

این تحقیق توصیفی – تحلیلی و دارای ماهیتی کاربردی است که با شیوه پیمایشی انجام شده است. جهت بررسی سهم عوامل و شاخص‌های مختلف در افزایش درآمد و اشتغال روستاییان استان گیلان از رگرسیون خطی با روش مرحله‌ای و تحلیل عاملی در نرم افزار SPSS استفاده شده است. به منظور سنجش اعتبار پرسشنامه تحقیق از روش اعتبار صوری استفاده شده است. روایی ابزار محقق ساخته تحقیق توسط محققین و 10 نفر از کارشناسان متخصص در این زمینه مورد ارزیابی قرار گرفته است. هم چنین جهت سنجش پایایی پرسشنامه، آلفای کرونباخ آن محاسبه گردید و با توجه به این که مقدار آن 0/968 به دست آمده است (جدول 1)، حاکی از پایا بوده ابزار تحقیق می‌باشد.

جدول شماره (1): سنجش میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری

تعداد نمونه	تعداد سوالات مؤثر در آلفا	آلفای کرونباخ	الفای استاندارد شده کرونباخ
380	89	0/968	0/969

نمونه آماری تحقیق شامل 0/04 درصد از جمعیت نواحی روستایی استان گیلان بر اساس سرشماری رسمی نفوس و مسکن سال 1390 است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، 1390). جمعیت مناطق روستایی گیلان در این سرشماری بالغ بر 980 هزار نفر بوده است که با بعد خانوار 4/2 حدود 234 هزار خانوار است (گزارش اقتصادی اجتماعی استان گیلان،1387: 21). حجم نمونه نیز با توجه به گستردگی محدوده مورد مطالعه، بر اساس شاخص‌های جمعیتی و جغرافیایی و بر حسب تعداد روستاییان و سهم آنها و با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه 384 خانوار به دست آمد (نادری و سیف

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نراقی،1388: 216) که تعداد 380 نمونه انتخاب و مورد پرسشگری واقع شدند. نمونه‌ها در سطح جامعه با روش نمونه‌گیری مطبق و تصادفی ساده طی مراحل چهارگانه زیر انتخاب شده است:

مرحله اول، با توجه به تعداد زیاد روستاهای استان و گستردگی منطقه مورد مطالعه و جهت صرفه-جویی در وقت و هزینه، حدود 2/26 درصد از روستاهای استان (45 روستا) از 1991 آبادی دارای سکنه به عنوان حجم نمونه محاسبه شد. مرحله دوم، با استفاده از روش نمونه‌گیری مطبق تعداد روستاهای اختصاص یافته به هر تیپ مشخص شد. بدین صورت که با توجه به اینکه تعداد کل روستاهای دارای سکنه استان 1991 مورد است و از این تعداد 180 روستا ساحلی، 796 روستا جلگه‌ای و 1015 روستا کوهپایه‌ای و کوهستانی می‌باشد، با روش نمونه‌گیری مطبق سهم روستاهای ساحلی 4، روستاهای جلگه-ای 18 و روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی 23 روستا محاسبه گردید. مرحله سوم، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، روستاهای نمونه در هر تیپ استقراری برگزیده شد. مرحله چهارم، با استفاده از روش نمونه‌گیری مطبق تعداد سرپرستان خانوار نمونه در هر یک از تیپ‌های روستایی مشخص شد. بدین صورت که با توجه به اینکه تعداد کل نمونه، 380 کشاورز محاسبه شده بود و نیز با توجه به تعداد افرادی که در هر یک از تیپ‌ها در سن اشتغال قرار دارند، حجم نمونه نهایی در سطح هر آبادی جهت پرسشگری به دست آمد. بنابراین 34 پرسشنامه در روستاهای ساحلی، 152 پرسشنامه در روستاهای جلگه‌ای و 194 پرسشنامه در روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی به تناسب تکمیل گردید (جدول2).

جدول شماره (2): انواع تیپ روستاها، تعداد، درصد و برآورد حجم نمونه

تیپ روستاها	تعداد روستاها	درصد	تعداد روستاهای نمونه	تعداد نمونه‌ها جهت تکمیل پرسشنامه
روستاهای ساحلی	180	9	4	34
روستاهای جلگه ای	796	40	18	152
روستاهای کوهپایه ای و کوهستانی	1015	51	23	194
جمع کل	1991	100	45	380

به منظور شناخت عوامل و تعیین نقش عوامل اصلی اثرگذار در افزایش درآمد و اشتغال روستائیان استان گیلان از 74 متغیر استفاده شده است. استان گیلان، با مساحتی بالغ بر 14 هزار کیلومتر مربع، حدود 0/9 درصد از مساحت کل کشور را داراست (نوروزی و کاووسی،19:1381). این استان، از شمال به دریای خزر و کشور آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، در زمان اجرای سرشماری نفوس و مسکن 1390 استان گیلان دارای 51 شهر، 43 بخش، 109 دهستان و 2242 آبادی بوده است که تا پایان سال 1390 با الحاق 10 آبادی به نقاط شهری، تعداد آبادی‌ها به 2232 آبادی (1991 آبادی دارای سکنه و 241 آبادی خالی از سکنه) تغییر یافته است. جمعیت مناطق روستایی گیلان در این سرشماری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

به حدود 983 هزار نفر بالغ گردیده است. که با بعد خانوار 4/2 حدود 234 هزار خانوار است (مرکز آمار ایران، 1391). هم چنین جمعیت روستایی استان در سال‌های 1375 و 1385 به ترتیب 1191916 و 1109104 نفر بوده است (سالنامه آماری استان گیلان،1391: 137-150). با توجه به اطلاعات مرکز آمار ایران از سال 1375 تا 1390 از جمعیت روستایی شاغل در بخش کشاورزی استان کاسته شده و به جمعیت روستایی شاغل در بخش صنعت و به ویژه خدمات اضافه شده است. هم چنین آمارها نشان می‌دهد که طی 30 سال گذشته فقط 14104 نفر به جمعیت شاغل روستایی استان اضافه شده است (مرکز آمار ایران، سرشماری‌های مختلف).

جدول شماره (3): تغییرات وضعیت اشتغال در جامعه روستایی استان گیلان از سال 1375 تا 1390

شرح (آمارهای مربوط به جمعیت نقاط روستایی استان)		1375	1385	1390
جمعیت روستایی استان		1191916	1109104	983704
جمعیت 10 ساله و بیشتر		943020	971728	974652
جمعیت فعال از نظر اقتصادی	شاغل	344421	331698	358525
	بیکار	63340	68412	57626
	جمع	407761	400110	416151
جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی		516283	558140	572576
شاغلان 10 ساله و بیشتر در بخش کشاورزی		225829	159816	113803
شاغلان 10 ساله و بیشتر در بخش صنعت		42045	73582	95119
شاغلان 10 ساله و بیشتر در بخش خدمات		85448	116120	124769

منبع: سالنامه آماری استان گیلان، 1391، 137-150

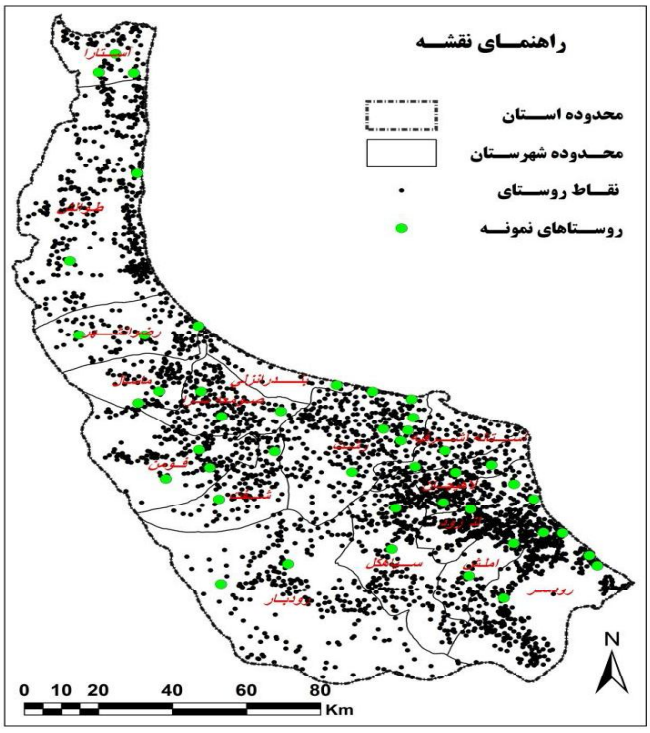

شکل شماره (1): نقشه منطقه مورد مطالعه و موقعیت روستاهای نمونه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

4) یافته‌های تحقیق

برای دسته‌بندی داده‌های مربوط به متغیرها و شاخص‌های افزایش درآمد و اشتغال روستاییان از دو آماره استفاده شده است: بر اساس نتیجه آزمون KMO که مقدار آن برابر با 0/826 می‌باشد، داده‌های تحقیق قابل تقلیل و دسته‌بندی به تعداد عامل زیربنایی و بنیادی می‌باشد. هم چنین نتیجه آزمون بارتلت (4/202) که در سطح خطای کمتر از 0/01 معنی‌دار است، نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس واحد نمی‌باشد. یعنی از یک طرف بین گویه‌های هر عامل همبستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر، هیچ‌گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود (جدول 4).

شاخص‌های مورد بررسی در تحقیق به 5 عامل اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، کالبدی و جغرافیایی از طریق چرخش واریماکس در تحلیل عاملی تبدیل، که در مجموع 61/08 درصد از واریانس را می‌پوشاند و نشانگر رضایت بخش بودن تحلیل عاملی و شاخص‌های مورد مطالعه دارد، مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن در جدول 4 آمده است.

جدول شماره (4): سهم هر عامل در تبیین مجموع واریانس تمامی گویه‌ها

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
فیزیکی - کالبدی	30.905	41.763	41.763
اقتصادی	4.561	6.163	47.926
اداری – سیاسی	3.617	4.887	52.814
اجتماعی	3.097	4.186	56.999
مدیریتی	3.019	4.080	61.079

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

با توجه به همبستگی شاخص‌ها در هر عامل، اسامی برای هر یک از عامل‌ها انتخاب شد: عامل اول، در آن 25 شاخص قرار دارد که مقدار ویژه این عامل 30/9 است. به عبارتی، عامل اول توانسته است 41/76 درصد از واریانس 74 متغیر را تبیین کند. با توجه به شاخص‌های بارگذاری شده این عامل، «عامل فیزیکی – کالبدی » نام‌گذاری شده است. بر اساس اطلاعات جدول 5، شاخص‌های تهیه طرح هادی روستایی، ساخت و بهبود مدارس روستایی و ساخت مرکز خود اشتغالی روستایی به ترتیب با میزان 0/860، 0/851 و 0/816 دارای بیشترین میزان همبستگی بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (5): شاخص‌های بارگذاری شده در عامل اول

ردیف	نام شاخص	همبستگی
1	ساخت و بهبود جاده های بین شهری و بین روستایی	0.573
2	تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی	0.579
3	نوسازی مسکن روستایی	0.478
4	ساخت و بهبود شبکه برق روستایی	0.637
5	ساخت و بهبود شبکه آب روستایی	0.707
6	ساخت و بهبود شبکه مخابرات روستایی	0.766
7	ساخت و بهبود شبکه گاز روستایی	0.790
8	ساخت و بهبود مدارس روستایی	0.851
9	ساخت مرکز خود اشتغالی روستایی	0.816
10	ساخت شبکه های فرعی آبیاری	0.781
11	ساخت استخرهای ذخیره آب	0.708
12	لایروبی از استخرهای موجود ذخیره آب	0.776
13	ساخت مجتمع بهزیستی	0.594
14	تهیه طرح های هادی روستایی	0.860
15	اجرای طرح های هادی رستایی	0.801
16	پیش بینی توسعه کاربری تجاری و خدماتی	0.705
17	انتصاب دهیاران شایسته	0.490
18	اقدامات فرمانداری ها و بخشداری ها	0.575
19	وجود انگیزه های اشتغال	0.465
20	روابط اجتماعی قوی	0.569
21	نگرش مثبت به کسب و کار	0.594
22	مشارکت بالای مردم	0.460
23	امید به آینده	0.540
24	کسب اعتماد عمومی	0.450
25	امانت داری	0.556

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

عامل دوم، مقدار ویژه آن 4/561 می‌باشد که 6/163 درصد واریانس را محاسبه و تفسیر می‌نماید. در این عامل 17 شاخص بارگذاری شده است که بیشتر از نوع اقتصادی هستند. بدین ترتیب این عامل را می‌توان «عامل اقتصادی» نام‌گذاری کرد. در بین 17 شاخص مذکور، سه شاخص برخورداری از اراضی کشاورزی مناسب، وجود مرکز خود اشتغالی روستایی و دسترسی به مراکز فنی و حرفه‌ای مراکز شهری به ترتیب با میزان همبستگی 0/860، 0/851 و 0/816 دارای بیشترین میزان همبستگی بوده است (جدول 6).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (6): شاخص‌های بارگذاری شده در عامل دوم

ردیف	نام شاخص	همبستگی
1	میزان سرمایه‌گذاری دولتی در روستا	0.573
2	نزدیکی به بازار محلی	0.579
3	نزدیکی به بازار شهری	0.478
4	یکپارچه سازی اراضی	0.637
5	میزان پس انداز	0.707
6	دسترسی به وام بانکی	0.766
7	عضویت در شرکت‌های تعاونی	0.790
8	وجود مرکز خود اشتغالی روستایی	0.851
9	دسترسی به مراکز فنی و حرفه ای مراکز شهری	0.816
10	رقابت‌پذیری	0.781
11	نیازسنجی اقتصادی در روستا	0.708
12	زندگی افراد کارآفرین در روستا	0.776
13	نزدیکی به مرکز بازار روستا	0.594
14	برخورداری از اراضی کشاورزی مناسب	0.860
15	تشویق کارآفرینی در جوامع روستایی	0.801
16	ارتقای دانش فنی بخش خدمات روستایی	0.705
17	انتصاب مدیران شایسته در سطح روستاها	0.490

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

عامل سوم که شامل 14 شاخص می‌باشد، مقدار ویژه این عامل 3/617 است یعنی این عامل سوم توانسته است 4/887 درصد از واریانس 74 متغیر را تبیین کند. با توجه به شاخص‌های بارگذاری شده این عامل، « اداری - سیاسی» نام‌گذاری شده است (جدول7).

جدول شماره (7): شاخص‌های بارگذاری شده در عامل سوم

ردیف	نام شاخص	همبستگی
1	بهبود زیرساخت های روستایی	0.582
2	دسترسی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی	0.592
3	دسترسی به مسئولین سیاسی استان	0.662
4	تهیه برنامه های اجرایی اشتغال	0.673
5	برنامه ریزی برای توسعه اشتغال	0.692
6	حمایت از ایجاد واحدهای تجاری توسط شورا	0.672
7	توسعه سیاست خرده وام دهی	0.773
8	توانمندسازی اقشار فاقد مهارت های فنی	0.674
9	گسترش موسسات کارآفرین	0.668
10	حمایت از توسعه مجتمع های خوداشغالی	0.688
11	حمایت از تهیه بسته های حمایتی استقرار خدمات در نواحی روستایی مانند بخش های مالیاتی و ..	0.570
12	حمایت از محدودیت ورود کالاهای مشابه با وضع عوارض مناسب بر کالاهای چینی	0.648
13	نزدیکی به جاده فرعی	0.375
14	نزدیکی به جاده اصلی	0.345

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

عامل چهارم، مقدار ویژه آن 3/097 است که 4/186 درصد واریانس 74 متغیر را تبیین کند. در این عامل 12 شاخص بارگذاری شده‌اند که بیشتر از نوع اجتماعی هستند. بدین ترتیب این عامل را می‌توان «عامل اجتماعی» نام‌گذاری کرد (جدول 8).

جدول شماره (8): شاخص‌های بارگذاری شده در عامل چهارم

ردیف	نام شاخص	همبستگی
1	عضویت در انجمن‌های صنفی	0.679
2	انضباط در کسب و کار	0.457
3	توانمندسازی اقشار فاقد مهارت‌های فنی	0.661
4	داشتن انصاف	0.488
5	توسعه سیاست خرده وام دهی	0.587
6	مرکز آموزش صنایع دستی	0.600
7	برخورداری از سرمایه اولیه	0.669
8	دسترسی به مغازه	0.560
9	نزدیکی به شهر برتر (مرکز بخش)	0.330
10	نزدیکی به مناطق مستعد ییلاقی	0.675
11	نزدیکی به پارک‌های جنگلی	0.716
12	نزدیکی به ساحل	0.465

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

عامل پنجم دارای 6 شاخص است که مقدار ویژه آن 3/019 است. به عبارتی، عامل پنجم توانسته است 4/080 درصد از واریانس 74 متغیر را تبیین نماید. با توجه به شاخص‌های بارگذاری شده این عامل، « عامل مدیریتی » نام‌گذاری شده است (جدول 9).

جدول شماره (9): شاخص‌های بارگذاری شده در عامل پنجم

ردیف	نام شاخص	همبستگی
1	مدیریت صحیح	0.304
2	خرید تضمینی محصولات	0.556
3	تثبیت قیمت محصولات	0.446
4	اقدامات اشتغال‌زایی دولت	0.474
5	دسترسی به پهنه‌های آبی(استخرها و سدها)	0.527
6	شخصیت قوی	0.449

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

داده‌های جدول زیر گویای این مطلب است که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها (0/778) می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (افزایش درآمد) همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R2) که برابر با 0/592 می‌باشد، نشان می‌دهد که 59/2 درصد از کل تغییرات میزان درآمد در بین روستاییان نمونه‌گیری شده در استان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

گیلان وابسته به 13 متغیر مستقل باقی مانده از کل متغیرهایی که به مدل وارد شده بود، می‌باشد. به عبارت دیگر 13 متغیر باقی‌مانده در مدل، حدود 60 درصد از واریانس متغیر افزایش درآمد را پیش‌بینی (برآورد) می‌کند (جدول 10).

جدول شماره (10): خلاصه آماره‌های تحلیل رگرسیون

Model Summary				
Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
0/910	0/322	0/324	0/569	1
0/854	0/403	0/406	0/637	2
0/827	0/439	0/444	0/666	3
0/804	0/471	0/476	0/690	4
0/785	0/495	0/501	0/708	5
0/764	0/522	0/530	0/728	6
0/749	0/540	0/549	0/714	7
0/742	0/549	0/559	0/747	8
0/736	0/556	0/567	0/753	9
0/727	0/566	0/578	0/760	10
0/717	0/579	0/591	0/769	11
0/712	0/585	0/598	0/773	12
0/706	0/592	0/606	0/778	13

منبع: یافته‌های تحقیق، 1391.

بنا بر بررسی‌ها انجام شده، در این مدل ابتدا متغیر مستقلی که بیش‌ترین همبستگی را با متغیر وابسته داشت وارد مدل شد و تحلیل انجام گرفت، این متغیر مستقل (تثبیت قیمت محصولات) بود. به همین ترتیب ورود متغیرها به مدل، یک به یک و تا زمانی انجام گرفت که معنی‌داری متغیر به 95 درصد رسید، یعنی سطح خطا 5 درصد گردید. سپس، عملیات متوقف شد. و نتایج تجزیه و تحلیل مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که از 74 متغیر مستقل وارد شده به مدل، فقط 13 متغیر است که بیشترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر وابسته داشته‌اند.

نتیجه آخرین مرحله از پردازش نشان داد که متغیر تثبیت قیمت محصولات با ضریب رگرسیونی 0/398، توانمندسازی اقشار فاقد مهارت‌های فنی با ضریب 0/272، اقدامات اشتغال‌زایی دولت با ضریب 0/239، مشارکت بالای مردم با ضریب 0/204، دسترسی به پهنه‌های آبی(رودخانه‌ها و سدها) با ضریب 0/203، مدیریت صحیح با ضریب 0/183، برخورداری از اراضی کشاورزی مناسب با ضریب 0/176 و خرید تضمینی محصولات با ضریب 0/147 به ترتیب بالاترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر افزایش درآمد داشته‌اند. به عبارت دیگر، به عنوان مثال به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر «تثبیت قیمت محصولات»، میزان درآمد برای هر کشاورز به میزان 0/398 انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

هم چنین به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر «توانمندسازی اقشار فاقد مهارت‌های فنی» میزان درآمد برای هر کشاورز به میزان 0/272 انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت و به همین ترتیب سایر متغیرها به میزان ضریب خود در متغیر افزایش درآمد نقش دارد.

5) نتیجه‌گیری

در این پژوهش جهت عامل سازی و تعیین نقش عوامل اصلی مؤثر بر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان استان گیلان از 74 متغیر استفاده شده است که در 5 عامل اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، کالبدی و جغرافیایی دسته‌بندی شده و از طریق چرخش واریماکس در تحلیل عاملی تبدیل و در مجموع 61/08 درصد از واریانس را پوشانده است. نتایج مدل تحلیل رگرسیون خطی با روش مرحله‌ای نشان می-دهد که از 74 متغیر مستقل وارد شده به مدل، فقط 13 متغیر است که بیشترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر وابسته داشته‌اند. به عبارت دیگر 59/2 درصد از کل تغییرات میزان درآمد در بین روستاییان نمونه-گیری شده در استان گیلان وابسته به 13 متغیر مستقل باقی مانده از کل متغیرهایی است که به مدل وارد شده بود.

نتیجه مدل مذکور در آخرین مرحله از پردازش نشان داد که متغیر «تثبیت قیمت محصولات» با ضریب رگرسیونی 0/398، متغیر «توانمندسازی اقشار فاقد مهارت های فنی» با ضریب 0/272، متغیر «اقدامات اشتغال زایی دولت» با ضریب 0/239، متغیر «مشارکت بالای مردم» با ضریب 0/204، متغیر «دسترسی به پهنه های آبی(رودخانه‌ها و سدها)» با ضریب 0/203، متغیر «مدیریت صحیح» با ضریب 0/183، متغیر «برخورداری از اراضی کشاورزی مناسب» با ضریب 0/176 و متغیر «خرید تضمینی محصولات» با ضریب 0/147 به ترتیب بالاترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر افزایش درآمد داشته‌اند.

هر چند بر اساس یافته‌های تحقیق هر یک از متغیرهای مورد بررسی تا حدی بر وضعیت اشتغال و درآمد کشاورزان مورد بررسی در این پژوهش تأثیر گذاشته‌اند، اما نتایج نهایی مدل‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مربوط به شاخص‌های مدیریتی است، در این بین می‌توان به شاخصهایی مثل تثبیت قیمت محصولات، توانمندسازی اقشار فاقد مهارت‌های فنی، اقدامات اشتغال‌زایی دولت و مدیریت صحیح اشاره کرد. بنابراین مشخص می‌شود که در منطقه مورد مطالعه نقش مدیریتی سازمان‌های موثر در امر برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه روستایی در زمینه اشتغال‌زایی و افزایش درآمد بسیار حائز اهمیت است.

بر پایه نتایج به دست آمده، جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد با عنایت به مزیت‌ها و محدودیت‌های نواحی روستایی استان گیلان پیشنهاد می‌گردد که اقداماتی در زمینه ترویج روش‌های بهینه زراعی برای بالا بردن راندمان در کلیه مراحل زراعی (کاشت، داشت و برداشت) به ویژه در بهره‌برداری‌های خانوادگی؛ بالابردن میزان بهره‌وری در واحد سطح از طریق ترویج بهینه نهاده‌ها؛ مهار آب‌های روان و استفاده از آنها

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در زمان نیاز؛ راه اندازی کارخانه‌های وابسته به محصولات دامی و لبنی و خرید تضمینی شیر؛ توجه به فعالیت‌های جنبی نظیر مرغداری و دامداری؛ توسعه زنبورداری و تولید عسل در نواحی مساعد؛ تأسیس صنایع جانبی بخش کشاورزی نظیر صنایع بسته‌بندی، خشک‌کنی و بوجاری؛ توسعهٔ ایستگاه‌های تحقیقات کشاورزی در استان؛ و تشویق کشاورزان به تأسیس تعاونی‌های تولیدی کشاورزی با توجه به مسائلی چون کمبود سرمایه صورت گیرد.

6) منابع

- افراخته، حسن، اسدی، میترا، محمودپور، ریبوار و دامن باغ، جواد (1391)، **نقش صنایع دستی در توسعه اقتصاد روستایی (نمونه موردی: روستای اورامان در شهرستان سروآباد)**، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی توسه روستایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- بانک جهانی (1384)، **راهبرد توسعه روستایی، رویکرد نوین بانک جهانی**، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- جوان، جعفر، علوی‌زاده، سید امیرمحمد و کرمانی، مهدی (1390)، **نقش متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی**، فصلنامه جغرافیا، سال نهم، شماره 29.
- رضوانی، محمد رضا (1383)، **مقدمه‌ای بر توسعه روستایی در ایران**، نشر قومس.
- ساروخانی، باقر (1383)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی** (جلد اول)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی مطالعات فرهنگی.
- سازمان برنامه و بودجه (1392)، **سالنامه آماری استان گیلان در سال 1391**.
- شکوری، علی (1388)، **سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران**، چاپ دوم، انتشارات سمت.
- شهبازی، اسماعیل (1375)، **توسعه و ترویج روستایی**، دانشگاه تهران.
- طاهرخانی، مهدی (1379)، **صنعتی شدن روستا**، وزارت جهاد کشاورزی.
- فراهانی، حسین و حاجی حسینی، سمیرا (1391)، **نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی**، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی توسه روستایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- قدیری معصوم، مجتبی و عزمی آئیژ (1389)، **تحولات اشتغال روستایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن**، مجله چشم انداز جغرافیایی، سال چهارم، شماره 10.
- کامران، فریدون (1374)، **توسعه و برنامه ریزی روستایی**، نشر آوای نور.
- **گزارش اقتصادی اجتماعی استان گیلان** (1387)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان.
- محمدی یگانه، بهروز، کرمشاهی، سکینه (1390)، **متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر صنایع روستایی به منظور دستیابی به توسعه روستایی**. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی توسه روستایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مرکز آمار ایران (1390)، **نتایج سرشکاری عمومی نفوس و مسکن**.
- نوروزی، علیرضا و شراره کاووسی (1381)، **بررسی عملکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان گیلان 74-1378**، تهیه شده در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان-معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی امور اقتصادی.
- Davis, B. winters, P. carletto, G. (2010), **A Cross-Country Comparison of Rural Income Generating Activities**, world development, Vol. 38, No. 1, pp. 48-63.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- de Janvry, A., & Sadoulet, E. (2003). **Achieving success in rural development: Toward implementation of an integral approach**. In Proceedings of the 25th international conference of agricultural economists, August 16–22, Durban, South Africa.
- Dennis, Tao, Yang, (2004), **Education and allocative efficiency: Household income growth during rural reforms in china**, Journal of Development Economics, 74, pp. 137-162.
- Eesmith, Cathy, (2003), **trees for raral development**, applied geography.
- Schejtman, A., & Berdegue´, J. A. (2004). **Desarrollo territorial rural**. Debates y temas rurales no. 1. Santiago: RIMISP.
- Zezza, A. carletto, G. Davis, B. stamulis, K. & winters, P. (2009), **Rural Income Generating Activities: Whatever Happened to the Institutional Vacuum? Evidence frome Ghana, Guatemala, Nicaragua and Vietnam**, world development, Vol. 37, No. 7, pp. 1297-1306.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]